

## آموزش تحلیل سیاسی / آیا جوان ایرانی نمی‌تواند؟

حالا سؤال این است «جوانی که می‌تواند آن‌جور موشک درست کند، آن‌جور هواپیما درست کند، می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برساند، این جوان نمی‌تواند ماشین را برای تولید خودرو یا فلان موضوع دیگر پیشرفت بدهد و پیش برود؟...» (۰۱/۰۱/۱۳۹۶) ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم... پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟!... در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، می‌توانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشم‌مان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را برمی‌دارد، کی فلان نقطه را موافقت می‌کند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه کار می‌توانیم بکنیم.» (۰۱/۰۱/۱۳۹۳)

حمایت از کالای ایرانی  
**تابلوساسی**  
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه‌ها و جریانها  
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۷۸ / چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۷

## آمریکا و استاندارد دوگانه در مورد جنایات جنگی

**آرمان:** آرای دیوان آنچنان باید با دقت انتخاب و تدوین شود، به ترتیبی که جای هیچ گونه انتقاد و یا پیدا کردن نقض و عیب در آن نباشد و از این جهت آرای دیوان به عنوان شاخص حقوقی در روابط بین‌الملل تاکنون استفاده شده. تنها جایی که آرای دیوان ممکن است نقض شود در شورای امنیت سازمان ملل متحد و با اجماع و اتفاق آرای ۵ عضو دائم به اضافه اعضای غیردائم آنها فقط و فقط برای یک منظور که آنها صلح و امنیت بین‌المللی است که اگر یک رای دیوان به دلیلی صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد در این صورت رای دیوان با حکم شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند به حالت تعلیق دربیاید. بنابراین ملاحظه می‌شود آرای دیوان آنچنان از قدرت و استحکام برخوردار است که فقط در موارد استثنایی و آنها به دلیل صلح و امنیت بین‌المللی توسط پنج عضو دائم نگریسته می‌شود و فقط در آن موارد استثنایی ممکن است آرای دیوان موقتا به حالت تعلیق درآمده یا نادیده گرفته شود. اکنون باید از این طرف عملکرد دولت دونالد ترامپ را نگاه کرد و تندروهایی نظیر جان بولتون که اطراف رئیس‌جمهور آمریکا را گرفته‌اند. جان بولتون در سخنرانی شب گذشته اش قضات دیوان بین‌المللی دادگستری را تهدید کرد که اگر به جنایات جنگی آمریکا در افغانستان رسیدگی کنند، در این صورت هم دیوان و هم ۱۵ نفر قضاتش را مورد تحریم قرار می‌دهد و دسترسی آنها به حساب‌هایشان در آمریکا و هرگونه تراکنش بین دیوان و بانک‌های دیگر که از طریق آمریکا باشد را متوقف می‌کند و به این ترتیب شاید در تاریخ اولین بار است که یک کشور مدعی دیوان بین‌المللی دادگستری و استقلال رای این دیوان می‌شود.

## وقتی یک صفر اشتباه می‌شود

**خراسان:** میزان رضایتمندی از عملکرد اقتصادی ترامپ در حالی است که وی دو روز پیش در توییتی به اشتباه نوشته بود: «نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا (۴,۲ درصد) برای اولین بار در صد سال گذشته بیشتر از نرخ بیکاری (۳,۹ درصد) شده است.» اقدامی که واکنش تحلیل‌گران اقتصادی را در پی داشت. پس از آن «کوین هاست»، رئیس شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید گفت که افزایش نرخ تولید ناخالص داخلی در ۱۰ و نه ۱۰۰ سال اخیر بی سابقه است. احتمالا یک نفر صفری به این عدد اضافه کرده است که نباید این کار را انجام می‌داد.

## جنگ شناختی مکمل جنگ اقتصادی

**جوان:** جنگ شناختی (Cognitive warfare) به معنای هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه هدف با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت است. این نوع جنگ شکل تکامل یافته تر، پیشرفته تر، عمیق تر و وسیع تر جنگ روانی است که مبتنی بر جامعه شبکه‌ای (با زیرساخت رسانه‌های نوین) بوده و با مدیریت ادراک و برداشت انجام می‌گیرد. تغییر نگرش در جامعه کشور هدف، اختلال و خطا در دستگاه محاسبات تصمیم گیران، اثربخش نمودن جنگ اطلاعاتی، ایجاد گسست عاطفی-ادراکی بین توده‌ها و نخبگان با حاکمیت و نهایتاً تضعیف و زوال سرمایه اجتماعی برخی کارویژه‌های جنگ شناختی هستند.

دشمن در جنگ شناختی، سه نقطه آماج اصلی را هدف قرار می‌دهد: ۱- ایده اصلی نظام: «اسلام ناب» و «ولایت مطلقه فقیه» (هسته اصلی و مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی) ۲- ساختار نظام: مجموعه نهادها، ارکان و دستگاه‌های برآمده از ایده اصلی که مجموعه حکومت را شکل داده است. ۳- کارکرد نظام: نتایج حاصله از عملکرد اجزای ساختار نظام که در واقع، نشان دهنده خروجی ساختار بوده و کارآمدی یا ناکارآمدی آن را نشان می‌دهد. در نهایت هدف از این تهاجم، مشروعیت زدایی، اعتبارزدایی، اعتمادزدایی، قداست زدایی، ناامیدسازی و ناکارآمدنمایی است که در نهایت دشمن امیدوار است سبب رویگردانی اجتماعی و از بین رفتن سرمایه اجتماعی نظام شود. در واقع آنچه باعث نتیجه بخشی جنگ اقتصادی می‌شود، اثربخشی جنگ شناختی است.

## نگاه به شرق

**صبح نو:** اجلاس سه جانبه ایران، روسیه و ترکیه در تهران فتح بابی برای همگرایی منطقه‌ای است؛ همگرایی‌ای که می‌تواند بدون مشارکت دولت‌های استعماری و فرامنطقه‌ای، مشکلات خود را حل کند. سوریه نمونه موفق این رخداد است و تجربه‌ای است که در یمن هم می‌توان آن را به کار گرفت. منطق کلی این روش، نگاه به شرق است؛ شرق منهای آنچه غرب تلقی می‌شود. غرب کلتی است که اجمالاً تقسیم‌بندی جغرافیایی ندارد و مثلاً ژاپن و استرالیا، غربی‌اند اما هیچ‌کدام در غرب قرار نگرفته‌اند. نگاه به شرق نتیجه‌بخش، در سوریه، می‌بایست الهام‌آفرین برای حل سایر معضلات باشد که فعلاً در رأس آنها حفظ منافع ملی کشورها ناشی از حملات اقتصادی آمریکاست. لیره، روبل و ریال هر سه با آماج جنگ اقتصادی ترامپ روبه‌رو شده‌اند و از قضا هر سه کشور می‌توانند منهای موقعیتی ثالث، با یکدیگر در ارتباط باشند و مثلاً ایران و روسیه، همسایگی دریایی دارند و ایران و ترکیه و روسیه هم به انحایی دیگر. مشکل ذهنیت غرب‌گرایی است که بر بخشی از دیوان‌سالاری دولتی در ایران حکمفرما شده و جریانی واپس‌گرا و متعلق به ۵۰ سال پیش، می‌خواهد در زمینه حل مشکلات حرکت کند و نمی‌تواند نگاه به شرق را بفهمد، چه برسد که آن را اجرایی کند. نخستین کمک به دولت، اصلاح این شاکله ذهنی قدیمی و ناکاراست.

## معکوس سازی استراتژی مهار

**وطن امروز:** راهبرد مهار، بر کاهش منابع و افزایش هزینه‌های ایران استوار بوده و حداقل در ۲ دهه گذشته به شیوه‌های مختلف از سوی آمریکا علیه ایران پیگیری شده است. کلیتاً استراتژی مهار ایران را بر تحریم‌های اقتصادی متمرکز کرد. جرج بوش، بر این عقیده بود که می‌تواند با حضور قدرتمند نظامی در شرق و غرب ایران، هراس از حمله نظامی را تبدیل به مهم‌ترین عامل مهار ایران کند. او با، از استراتژی ترکیب گزینه‌های فشار برای مهار ایران استفاده کرد که بشدت به توانمندسازی بازیگران منطقه‌ای علیه ایران و ایجاد یک نیروی سیاسی - اجتماعی غرب‌گرا در داخل ایران وابسته بود. ترامپ نیز به‌رغم تلاش برای اتخاذ رویکرد متفاوت نسبت به او با، در واقع راه او را می‌رود با این تفاوت که روی نقش گزینه‌های نیمه‌سخت مانند آشوب، عملیات اطلاعاتی و... حساب بیشتری کرده و نیروهای سیاسی غرب‌گرا در ایران را به اندازه او با جدی نمی‌گیرد. در واقع برای ترامپ شکاف «مردم - حکومت» مهم‌تر از شکاف‌های درون حکومت است و تصور می‌کند شکاف‌های درون نظام، تنها زمانی می‌تواند برای آمریکا کارآمد باشد که ابتدا محیط داخلی ایران به صحنه رویارویی نیمه‌سخت مردم و نظام تبدیل شده باشد. روند به‌کارگیری استراتژی مهار علیه ایران روندی طنزآلود بوده است. اتفاقی که رخ داده این بوده که بتدریج از توان آمریکا برای مهار ایران کاسته و در مقابل، آمریکا خود «مهارپذیر» تر شده است. تئوری مهار دولت بیل کلینتون به این دلیل شکست خورد که اساساً آمریکا در آن دوران، از مهارت و توانایی لازم برای استفاده از دسترسی زیرساختی خود به نظام مالی جهانی برای اعمال موثر گزینه تحریم برخوردار نبود و زمان زیادی طول کشید تا تئوری تحریم‌ها در وزارت خزانه‌داری و جامعه اطلاعاتی آمریکا تدوین و بالغ شود. با وجود اینکه دولت کلینتون بانی تئوری تحریم‌ها محسوب می‌شود اما در توسعه قابلیت‌های دولت آمریکا برای تبدیل کردن نظام مالی جهانی به یک سلاح جنگ اقتصادی علیه ایران چندان موفق نبود. به همین دلیل آمریکا در آن دوران نتوانست فشار تحریمی جدی به ایران وارد کند و گزینه تحریم‌ها در حد یک مانور سیاسی باقی ماند. استراتژی مهار در دوران جرج بوش هم، خیلی زود به ضد خود بدل شد. بوش با حمله به عراق و افغانستان صدام و طالبان، ۲ دشمن اصلی ایران در شرق و غرب مرزهایش را از میان برد و همان‌طور که استراتژیست‌های غربی بارها گفته‌اند، ایران را به دست خود به یک ابرقدرت پرنفوذ و برخوردار از دست‌های بلند در منطقه تبدیل کرد. استراتژی مهار در دوران او با اما سرنوشتی متفاوت پیدا کرد. شکست اصلی او با در دوران خود این بود که با حمایت از فتنه ۸۸ در ایران عملاً بخش بزرگی از جریان غرب‌گرا به عنوان مهم‌ترین دارایی راهبردی آمریکا در ایران را در یک محاق امنیتی طولانی مدت فرو برد. فشارهای آمریکا علیه ایران در دوران او با در نهایت به ظهور ایران به عنوان یک قدرت بلامنازع منطقه‌ای انجامید. راهبرد دولت ترامپ هم چیزی جز یک نسخه پُرسر و صدا ولی عقب‌مانده از استراتژی او با نیست. او با خروج از برجام موقعیت غرب‌گرایان را نه فقط در حکومت، بلکه حتی در متن جامعه ایرانی بشدت متزلزل کرده و از طریق ایجاد شکاف در مجریان پروژه تحریم، از اعتبار این گزینه بیش از هر وقت دیگری کاسته است.

مرد روزهای سخت عراق

**خراسان:** آیت ... العظمی سیستانی با ارائه نظر خود درباره نخست وزیر آینده عراق نشان داد مرد روزهای سخت و بحرانی عراق است و تنها کسی است که در شرایط فعلی کشور، مردم می توانند روی او حساب کنند: «مرجعیت موافق انتخاب نخست وزیر از میان سیاستمدارانی که در سال های گذشته بخشی از سلطه بوده اند - چه وابسته به یک حزب و چه مستقل - نیست. زیرا قاطبه ملت دیگر امیدی به هیچ کدام از آن ها در بهبود اوضاع و مبارزه با فساد ندارد». دیدگاه مرجعیت نجف دو روز پس از بیانیه صدر به معنای تیر خلاص بر نخست وزیری دوره دوم حیدر العبادی است و جلسه دوشنبه شب حزب الدعوه در بغداد که با حضور مالکی و العبادی برگزار شد، تلاشی برای سرو سامان دادن به وضعیت این حزب با توجه به شرایط فعلی و احتمال از دست دادن نخست وزیر توسط دعوه ای ها بود. بیانیه دیروز الدعوه و تأکید بر ضرورت تطبیق دیدگاه مرجعیت نیز عملاً به معنای پذیرش دیدگاه مرجعیت و عقبگرد اجباری العبادی است. در هر صورت " تا این جای کار " ، اهداف محور آمریکایی از به کرسی نشاندن گزینه خود برای نخست وزیری و سوار شدن بر موج بحران بصره ناکام ماند و مرجعیت و جریان های مقاومت وابسته به حشد که با خویشتنداری در تله جنگ مسلحانه نیفتادند، این بازی را ناکام کردند. باید دید در نهایت و پس از تحریم چند ساله پذیرش سیاستمداران عراقی توسط مرجع اعلی، آیا خیابان الرسول نجف، بار دیگر شاهد تردد خودروهای مقامات و وزیران خواهد بود؟

نبرد با دشمن فرضی در سرمای سبیری

**ایران:** بزرگترین مانور نظامی روسیه از زمان جنگ سرد، به این جهت حائز اهمیت است؛ که چین نیز در آن حضور دارند. زیرا حضور چین در آن نشانگر دوستی رو به پیشرفت این دو قدرت آسیایی است. این مانور یک هفته‌ای، فرصت مغتنمی را برای پوتین و شی جین پینگ رئیس جمهوری چین فراهم آورده تا بر سر مسائل مختلفی با یکدیگر به گفت و گو بنشینند. وزارت دفاع چین با اشاره به برگزاری این مانور، اعلام کرده هدف از مشارکت چین در آن، تعمیق همکاری های نظامی و تقویت زیرساخت های طرفین برای بهبود ظرفیت هایشان به منظور مقابله با هر گونه تهدید امنیتی است. وزارت دفاع چین در تأیید خبر حضور این کشور در مانور نظامی گفت: «ما ۳ هزار و ۲۰۰ نیروی نظامی را همراه با ۹۰۰ نوع سخت افزار جنگی و ۳۰ جنگنده و هلیکوپتر به مسکو فرستاده ایم.»

